

رئیس‌جمهور سوریه به فرانسه سفر می‌کند و با یهود مذاکره می‌کند!

رئیس‌جمهور سوریه، احمد شرع، سفری به فرانسه انجام داد و همراه با وزیر امور خارجه‌اش، اسعد شیبانی، هنگام ورودشان به فرودگاه شارل دوگل در پاریس دیده شدند.

شیبانی، سفر شرع به فرانسه را «نقطه‌ای تحول» برای کشورش دانست و در حساب خود در پلتفرم اکس نوشت: «سفر تاریخی به پاریس در کنار رئیس‌جمهور احمد شرع، نقطه‌ای تحولی در پرونده‌ی لغو تحریم‌های اعمال‌شده بر سوریه، تقویت امنیت منطقه‌ای و ایجاد محیطی پایدار برای صلح و سرمایه‌گذاری تجاری در منطقه بود». او توضیح داد که موفقیت این سفر تنها به سطح سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه نشان‌دهنده‌ی اراده مستمر در تقویت ساخت روابط بین‌المللی ما بر پایه‌های مستحکم همکاری مشترک و احترام متقابل با همگان است.

همچنین، ریاست جمهوری سوریه، پیامی از سوی احمد شرع خطاب به ماکرون منتشر کرد که در آن آمده بود: تقدیر و تشکر عمیق خود را نسبت به فضای مثبت و تمایل صادقانه‌ای که در دیدارها برای تقویت پیوندهای همکاری میان دو کشور وجود داشت، ابراز می‌دارم، به‌ویژه در زمینه تثبیت پایه‌های صلح و ثبات در منطقه و جهان او افزود که: سوریه بر اهتمام خود نسبت به تحکیم روابط دوستی با فرانسه و همکاری مشترک در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأکید دارد، به‌گونه‌ای که در خدمت منافع دو ملت دوست باشد.

اما ماکرون، در یک اجلاس مطبوعاتی گفت: «ثبات در سوریه یک عامل اساسی برای امنیت و آرامش منطقه است». او بر لزوم حمایت از همه‌ی مردم سوریه تأکید کرد و خاطرنشان ساخت که سوریه بدون رونق اقتصادی نخواهد توانست ثبات را بازگرداند. او به اهمیت همکاری با سوریه برای ادامه‌ی مقابله با سازمان «داعش تروریستی» اشاره کرد و تأکید نمود که حضور این گروه در سوریه تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است. او افزود: «به الشرع پیشنهاد همکاری با نیروهای دموکراتیک سوریه برای مقابله با داعش را دادم» و خاطرنشان کرد که پاریس از اجرای هرگونه توافق میان مقامات سوریه و اداره‌ی کردی حمایت خواهد کرد. او بر تلاش برای «برداشته‌شدن تدریجی تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا از سوریه تأکید کرد و گفت که بر واشنگتن نیز فشار خواهد آورد تا در همین مسیر حرکت کند» و از واشنگتن خواست که در روند رفع تحریم‌ها از سوریه تسریع کند.

این اتفاق تنها چیزی نبود که در فرانسه رخ داد. بلکه در جریان همان اجلاس مطبوعاتی و در هنگام صحبت درباره‌ی حملات رژیم یهود به سوریه، الشرع توضیح داد که مذاکراتی غیرمستقیم میان کشورش و رژیم یهود از طریق میانجی‌گران و واسطه‌هایی در جریان است، با هدف آرام‌سازی اوضاع و برای جلوگیری از دست رفتن کنترل، درحالی‌که حملات رژیم به سوریه همچنان ادامه دارد.

بی‌تردید، سفر به فرانسه‌ای که از دیرباز کینه‌ی اسلام و مسلمانان را در دل دارد و همواره در پی چپاول ثروت‌های آنان بوده است، از دوره‌ی استعمارش تاکنون، جز بدبختی برای ما نتیجه‌ای نخواهد داشت. چگونه می‌توانیم ژنرال فرانسوی گورو را فراموش کنیم، زمانی که به‌عنوان اشغالگر وارد دمشق شد، به‌سوی قبر آزادکننده، صلاح‌الدین رفت و آن را با پای خود لگد زد و گفت: (ای صلاح‌الدین، بازگشتیم)! فرانسه‌ای که سال‌ها سرزمین ما را اشغال کرد و نقش بزرگی در فروپاشی دولت عزت و کرامت ما، یعنی دولت خلافت عثمانی داشت؛ فرانسه‌ای که در معاهده‌ی سایکس-پیکو نشست، نقشه‌ریزی و تقسیم کرد، سرزمین‌های مسلمانان را تکه‌تکه ساخت، آن‌ها را زیر سلطه‌ی خود آورد و حکام خائنی را بر ما گماشت که نگهبان منافعش و وفادار به نظام‌های فاسد سکولار آن بودند.

این است فرانسه، کشوری که جنایاتش سراسر سرزمین‌های مسلمانان را فراگرفت و برای مدت‌های طولانی پرچم‌دار جنگ با اسلام بود و همچنان نیز با آن می‌جنگد؛ فرانسه، نخستین دشمن وحی آسمانی و خاستگاه و مرکز تمدنی است که بشریت را به نابودی کشاند؛ فرانسه‌ای که نخستین بار در زمان خلافت عثمانی به رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم جسارت کرد، اما در آن زمان خلیفه‌ای بود که آن را در جای خود نشانده؛ فرانسه‌ای که انتشار کاریکاتورهای توهین‌آمیز نسبت به رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در روزنامه‌ی شارلی ابدو را آزادی بیان دانست و حکومت‌هایش از انتشار آن‌ها حمایت کردند.

فرانسه‌ای که در هر ساعت شاهد اظهارات کینه‌توزانه‌ی سرانش علیه اسلام، تمدن و فرهنگ آن هستیم؛ فرانسه‌ای که شمار زیادی از مسلمانان الجزایر را کشت و جمجمه‌هایشان را به «موزه‌ی انسان» در پایتخت، پاریس فرستاد؛ فرانسه‌ای که در یکی از کشتارهایش در الجزایر، ۴۵ هزار تظاهرکننده‌ی غیرمسلح را به قتل رساند و در مجموع، حدود یک و نیم میلیون مسلمان الجزایری را کشت.

آری، این است فرانسه، کشوری که باید از هرگونه سخن ستایش‌آمیز نسبت به آن به‌شدت پرهیز کرد. جنایاتش پایان‌ناپذیر و توقف‌ناپذیر است تا زمانی که نابود شود و اساس آن از میان برود.

این است فرانسه، ای سروران؛ سرزمین فسق، فجور و جنایت؛ کشوری که به جنایات خود افتخار می‌کند و گواه آن، نمایشگاه جنایاتش، یعنی «موزه‌ی انسان» در پاریس است؛ فرانسه نماد تکبر و سلطه‌جویی، فرانسه‌ای که ثروت‌های ما را به یغما برد، مردم ما را کشت، در سقوط دولت ما سهیم بود و با دین، رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم و فرهنگ ما می‌جنگد. آیا از خار، انتظار انگور می‌رود؟! آیا می‌توان از اینان خیری انتظار داشت؟! و اگر بخواهند دری بر رویمان بگشایند، مگر چه دری خواهد بود؟! در فحشا، فجور و تاریخی پر از جنایت؛ به الله سبحانه‌وتعالی قسم، دری که اگر مردم به خاطر گشودن آن عفو نمایند، الله سبحانه‌وتعالی به خاطر ضایع‌ساختن حقوق مسلمانان هرگز نخواهد بخشید و مردم را به سخت‌ترین و شدیدترین شکل ممکن بازخواست خواهد کرد. پس هرچه فرانسه به ما برساند شر خواهد بود و تاریخش از حافظه‌ی ما پاک نخواهد شد.

اما سخن گفتن از مذاکرات غیرمستقیم با یهود، این است فاجعه‌ی بزرگ و لغزش خطرناکی که خشم مردم و خشم پروردگار را برمی‌انگیزد و نباید به‌سادگی از آن گذشت، بلکه باید با تمام قدرت و قاطعیت در برابر آن ایستاد، هرچند توجیه‌کنندگان بخواهند آن را تفسیر کنند؛ زیرا این مسئله، مسئله‌ی دین است، مسئله‌ی همه‌ی مسلمانان است، مسئله‌ی سرنوشت‌ساز است که در آن، هیچ‌گونه مدهانه یا سازش‌کاری جایز نیست، بلکه نیازمند موضع‌گیری‌های اصولی و قاطع است. این است آنچه باید باشد و این است موضع شرعی صحیح در برابر رژیم یهود و نه چیز دیگر.

آیا نمی‌دانیم که الله سبحانه‌وتعالی به جنگ با یهود و کشتن آنان فرمان داده است؟! و آیا نمی‌دانیم که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم روش برخورد با آنان را برای ما ترسیم کرده و این که نبرد ما با آنان، نبرد حیاتی است؟! و تا این رژیم باقی باشد، برای ما آرام و قراری نخواهد بود؟

پس چگونه ممکن است با آنان ارتباط برقرار کنیم، با آنان مذاکره کنیم، با آنان بنشینیم، درحالی که مردم ما در غزه در حال قتل‌عام هستند، قتل‌عام‌هایی که بشر هرگز نظیری برای آن ندیده است؟! چگونه می‌پذیریم که با کسی بنشینیم که سرزمین ما را اشغال کرده و مردم ما را حتی در سوریه به قتل می‌رساند، درحالی که چشمه خون جوانان هنوز خشک نشده است؟! و مردم انقلابی شام آماده‌ی نبرد و انتقام‌اند و پایگاه انقلابی در شام برای فداکاری آماده است و همه مشتاق یاری‌رسانی به برادران خود در غزه‌اند. پس چگونه است که به اصول ثابت خود پشت کنیم، از آن‌ها بازگردیم و در صف حکومت‌هایی قرار بگیریم که برادران ما را در غزه خوار و ذلیل کردند و سپس اعلام کنیم که با رژیم یهود در حال مذاکره‌ایم و آمادگی داریم برای امضای توافق‌نامه‌های عادی‌سازی یا احیای توافقاتی که در زمان حافظ اسد نابود شده بسته شد و نظام ساقط شده نیز به آن پایبند بود؟!

بی‌تردید، طبیعت یهود همان است که الله سبحانه‌وتعالی در قرآن ما را از آن آگاه کرده؛ نقض‌کننده عهد و پیمان. آنان غاصب‌اند، مقدسات ما را اشغال کرده‌اند، برادران ما را کشته‌اند و به سرزمین‌های ما طمع دارند و هرگاه کسی بخواهد آن‌ها را راضی سازد، همین امر آنان را بر جسارت و تجاوز بیشتر وامی‌دارد.

در برابر چنین دشمنی، موضع درست، نابودسازی رژیم آن‌ها و قطع کامل ریشه‌شان است و این همان چیزی است که الله سبحانه‌وتعالی در سوره‌ی اسراء ما را به آن بشارت داده، جنگی که در آن خواهیم گفت: صلاح‌الدین بازگشته است. این، راه حل درست و کارآمد در برابر رژیم یهود است.

بررسی عمیق و مطالعه سنجیده‌ی تاریخ امری ضروری است؛ نه صرفاً برای تقویت حافظه، بلکه برای آن که حقیقت نبرد را به یادآوریم و آن را به جایگاه درست خود بازگردانیم، به جای لغزش در پرتگاه سازش با رژیم یهود، سازشی که الله سبحانه‌وتعالی و بندگان صالحش از آن خشمگین‌اند.

برگرفته از شماره ۵۴۷ جریده الرایه